



دانشگاه علوم پزشکی کرمان

دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی
پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد رشته اقتصاد بهداشت

عنوان

برآورد تمایل به پرداخت غربالگری سرطان پستان و عوامل مؤثر بر آن در زنان
ساکن شهرستان کرمان در سال ۱۳۹۴

توسط: مینا ابوترابی

استاد راهنما: دکتر اسما صابرماهانی

استاد مشاور: دکتر رضا گودرزی



سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵



Kerman University of Medical Sciences

Faculty of Management and Information

In Partial Fulfillment of the Requirements for Degree MSc

Title:

Estimation of willingness to pay for breast cancer screening and factors affecting it, among women in Kerman: 2015

By:

Mina Abutorabi

Supervisors:

Dr. Asma Sabermahani

Advisor:

Dr. Reza Gudarzi

Year: 2016-17



حکیده

مقدمه: غربالگری ماموگرافی به علت توانایی در کشف بیماری در مراحل اولیه آن، توانسته است میزان مرگ و میر ناشی از سرطان پستان را کاهش دهد. با این وجود به زحمت یک سوم از زنان بالای ۵۰ سال غربالگری ماموگرافی را انجام می دهند. این مطالعه باهدف برآورد تمایل به پرداخت برای انجام غربالگری سرطان پستان در زنان ساکن شهرستان کرمان انجام پذیرفت.

روش پژوهش: این پژوهش، یک مطالعه کاربردی اقتصادی بود که به صورت پیمایشی در سال ۱۳۹۴ در مناطق انتخابی از شهرستان کرمان اجرا شد. جامعه این مطالعه را زنان ۳۵ تا ۶۹ ساله استان کرمان تشکیل می دهند. در این مطالعه برای تعیین حجم نمونه از جدول میشل و گارسون استفاده گردید. طبق این جدول، حجم نمونه ۸۶۵ نفر، تعیین گردیده که برای اطمینان از بازگشت معادل ۱۰۰۰ نفر در نظر گرفته شد. جهت تخمین تابع تقاضا و تعیین تأثیر عوامل مؤثر بر آن از روش های آماری اقتصادسنجی استفاده گردید. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار **Stata** نسخه ۱۴ استفاده گردید.

یافته ها: مقدار میانه مقدار میانه تمایل به پرداخت در سناریوی یک ۲۰۰،۰۰۰ ریال، سناریوی دو ۲۳۰،۰۰۰ ریال، سناریوی سه ۱۶۰،۰۰۰ ریال، سناریوی چهار ۱۰۰،۰۰۰ ریال، سناریوی پنج ۱۰۰،۰۰۰ ریال و در سناریوی شش ۱،۱۰۰،۰۰۰ برآورد شده است.

کمترین میانه تمایل به پرداخت مربوط به سناریوی است که در آن فرض شده، ریسک فرد پایین بوده و ۵۰ درصد هزینه ها توسط دولت پرداخت می گردد. همچنین بیشترین تمایل به پرداخت مربوط به سناریویی است که در آن ریسک فرد بالا بوده و دولت تمامی هزینه های غربالگری را متقبل می گردد. در تمامی سناریوهای تعیین شده قیمت تأثیری

منفی و معنادار بر مقدار تقاضای غربالگری سرطان پستان دارد. تمامی روابط در سطح یک درصد معنادار می‌باشد. تمامی برآوردهای صورت گرفته دارای ضریب برازش خوبی می‌باشد.

بررسی میانه تمایل به پرداخت به تفکیک مراکز و پایگاه‌های بهداشتی حاکی از آن است که کمترین میزان میانه تمایل به پرداخت در سناریو یک مربوط به زنان مراجعه‌کننده به مراکز بهداشتی با قدرت و شهید شفیع و بیشترین میزان تمایل به پرداخت مربوط به زنان مراجعه‌کننده به مراکز بهداشت جوپار می‌باشد .

بررسی تمایل به پرداخت به تفکیک مناطق شهری و روستایی نشان داد که در سناریوهایی که در آن فرض شده دولت تمامی هزینه‌های طرح را می‌پردازد، میانه تمایل به پرداخت به طور چشمگیری با سناریوهایی که برای افراد فرانشیزی در نظر گرفته شده است تفاوت دارد. در سناریوهایی که دولت نیمی از هزینه طرح را پرداخت می‌کند تمایل به پرداخت مناطق روستایی بیشتر از مناطق شهری و در سناریوهایی که دولت تمام هزینه را پرداخت می‌کند تمایل به پرداخت مناطق شهری بیشتر بوده است که این می‌تواند به دلیل تاثیر سطح درآمد و انتظارات بالای افراد شهری از دولت باشد.

نتیجه‌گیری: در تمامی سناریوهای در نظر گرفته شده قیمت تأثیری منفی و معنادار بر تقاضای غربالگری سرطان پستان دارد و با افزایش سطح ریسک و همچنین کاهش فرانشیز در نظر گرفته شده میزان تمایل به پرداخت برای غربالگری سرطان پستان افزایش می‌یابد. در مقایسه تمایل به پرداخت با هزینه‌های واقعی غربالگری، در وضعیت‌های طراحی فرانشیز، میانه تمایل به پرداخت برای غربالگری کمتر از هزینه‌های طرح بوده و افراد در طرح شرکت نمی‌کنند. در سناریوهای بدون فرانشیز، میانه تمایل به پرداخت بالاتر از سطح هزینه از دیدگاه سیاست گزار بوده است و از بعد هزینه افراد راغب به شرکت بوده‌اند ولی عوامل دیگری نیز بر این موضوع مؤثر بوده است که از آن جمله می‌توان به **تعیین فرد از ریسک خود، سطح درآمد، سن، محل زندگی و غیره** اشاره نمود.

در صورت محاسبه دقیق هزینه‌های ارائه غربالگری سرطان پستان، سیاست گزار می‌تواند با طبقه‌بندی و تفکیک مناطق و گروه‌های دریافت‌کننده پر ریسک، اثربخشی خدمات ارائه‌شده را افزایش داده و استقبال بیشتری از این خدمت ایجاد گردد.

کلیدواژه‌ها: تمایل به پرداخت، سرطان پستان، غربالگری، استان کرمان، ارزش‌گذاری مشروط

Abstract

Introduction: mammography screening due to the ability to detect disease in its early stages, has managed to reduce the mortality rate arising from breast cancer. Nevertheless one-third of women over 50 do mammography screening. This study was conducted with aim to estimate the willingness to pay for the screening of breast cancer in women living in Kerman.

Method: This research was a practical economic survey that was conducted in 2015 in selective areas of the city of Kerman. In this study, for sample size determining we used of Mitchell and Carson table. According to this table, the sample size was 865 people. For ensure the return of protocol, sample size was considered 1,000 people. In order to estimate the demand and factors affecting it were used econometric statistical methods. Stata version 14 software was used for data analysis.

Result: The lowest median of willingness to pay was for the scenario where it is assumed that risk is low and 50 percent of the costs paid by the government. The highest willingness to pay was for a scenario in which the risk is high and the government will bear all costs of screening. In all scenarios, price has a significant negative impact on the demand for breast cancer screening. All relationships are significant at the one percent level. All estimates coefficient is a good fit.

The median willingness to pay according to health centers shown that the least average rate of willingness to pay in the scenario is related to women referring to Shaheed Shafieian and baghodrat centers and the highest rate of willingness to pay is for women who visit the health centers of Jupar.

An estimation of the willingness to pay by segregation of urban and rural areas has shown that in the scenarios in which the government pays all the costs of the project, the average

willingness to pay is significantly different from the scenarios that are considered franchisees.

Conclusion: In all scenarios considered, price had significant negative impact on the demand for breast cancer screening and also franchise reducing increases the willingness to pay for the screening of breast cancer.

Compared to the willingness to pay with actual screening costs, in a franchise-based setting, the average willingness to pay for screening is less than the cost of the plan, and people do not participate in the scheme. In non-franchise scenarios, the average willingness to pay was higher than the level of expenditure from the perspective of policy makers, and since then, the cost of people has been willing to participate, but other factors have been effective on this issue, including the perception of the individual of his risk, Income, age, place of residence and etc. If the exact cost of screening breast cancer is accurately calculated, policy makers can increase the effectiveness of the services provided by the classification and separation of risk-taking regions and groups.

Keywords: willingness to pay, breast cancer, Contingent Valuation method